


<https://mehrnews.com/xxNPZ>

 کد خبر ۷ بهمن ۱۳۹۴، ۶:۰۱
3034422

سلامت / درمان



یک متخصص علوم شناختی عنوان کرد؛

تنها راه پیشگیری از تولد کودکان فلج مغزی/علائم بدو تولد

یک متخصص علوم شناختی و توانبخشی، تنها راه مقابله با افزایش تولد کودکان با فلج مغزی را پیشگیری از تولد این کودکان با مراقبت های بیشتر بهداشتی در دوران قبل و حین بارداری و پس از تولد دانست.

به گزارش [خبرنگارمهر](#)، دکتر نادر علیرضالو همچنین کاهش ریسک فاکتورهای بروز نابهنجاری های ژنتیکی در کاهش این آسیب را موثر دانست و افزود: یکی از مهمترین عوامل، کنترل ازدواج های فامیلی است.

به گفته وی، «فلج مغزی» به اختلال غیر پیش رونده در حرکت و وضعیت اطلاق می شود که به دنبال ضایعه عصبی رخ می دهد. در فلج مغزی، گروهی از ضایعات مزمن، کنترل حرکتی فرد را مختل می کنند.

علیرضالو تصریح کرد که اختلال در سالهای اولیه زندگی کودک ظاهر می شود و معمولاً با گذشت زمان آسیب مغزی بدتر نمی شود، هرچند ممکن است ضایعات حرکتی با توجه به سطح اختلال محدودیت های جدیدی را ایجاد کنند.

وی با اشاره به اینکه فلج مغزی را از طریق معاینه مهارت های حرکتی، رفلکس های رشدی، سابقه پزشکی و آزمایشهای متنوعی تشخیص می دهند، اظهارداشت: میزان شیوع فلج مغزی در جهان ۳/۳ در هر ۱۰۰۰ تولد است که این رقم در نوزادان نارس به ۴۰ تا ۱۰۰ نفر در هر ۱۰۰۰ تولد زنده، افزایش می یابد.

وی افزود: این میزان شیوع، قابل توجه است چون فرد مبتلا، خانواده و بخش عظیمی از جامعه را درگیر چرخه مراقبتی و محافظتی خود می کند. تبعات روحی و روانی زیادی برای خانواده بیماران به همراه دارد علاوه بر اینکه زمان و هزینه بالایی را تحمیل می کند.

به گفته این متخصص، آسیب های مغزی در کودکان و بزرگسالان برگشتناپذیر است و علم برغم پیشرفت هایش، تاکنون نتوانسته گامی موثر در جهت بهبودی کامل این بیماران بردارد؛ هرچند با گسترش درمانهایی چون توانبخشی و کاردرمانی سعی در جبران ضایعات حرکتی و عملکردی فرد، در فعالیت های روزمره زندگی می شود.

چرا کودک با فلج مغزی متولد می شود

علیرضالو با طرح این سؤال که چه اتفاقی روی مغز نوزاد رخ می دهد که کودک با فلج مغزی متولد می شود، گفت: در فلج مغزی، اختلالات حرکتی با شاخصه آسیب حرکتی ارادی و ناشی از نابهنجاریهای رشدی پیش از تولد، حین یا پس از تولد، رخ می دهد، که این آسیب به سامانه عصبی مرکزی (CNS) و در سنین پیش از پنج سالگی (یعنی زمانی که مغز کودک همچنان در حال تکامل است) مربوط می شود.

وی افزود: در بعضی از افراد مبتلا به فلج مغزی، کاهش سطح اکسیژن (هیپوکسی) موجب بروز اختلال در بخش هایی از مغز می شود. نابهنجاریهای ژنتیکی نقش مهمی در این بیماری دارد. مشکل ژنتیکی را اغلب در نوزادانی که حاصل ازدواج فامیلی هستند، مشاهده می کنیم.

علیرضالو تصریح کرد: نوزادان نارس برای بروز فلج مغزی در معرض خطر بیشتری قرار دارند ولی عفونتهای ویروسی، نرسیدن اکسیژن به مغز کودک در حین زایمان و ضربه به سر جنین از موارد مهمی هستند که می توانند باعث آسیب سلول های مغزی و به دنبال آن، فلج مغزی شوند.

وی همچنین افزود: در کشورهای پیشرفته، دولت ها با آگاهی کامل از عواقب تحمیل هزینه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود فرد معلول در جامعه، گوشه ای از بودجه کشور را بابت پیشگیری از تولد کودک مبتلا به فلج مغزی صرف می کنند ، بدین گونه که مادران باردار از لحظه باردار شدن تا تولد نوزاد تحت چتر حمایتی دولت ها و خدمات بهداشتی و سلامت جامعه قرار می گیرند تا با نظارت کامل بر روند بارداری و تولد نوزاد، از احتمال تولد نوزادان مبتلا به فلج مغزی کاسته شود.

آیا فلج مغزی از همان بدو تولد قابل تشخیص است

این متخصص علوم شناختی و توانبخشی در پاسخ به این سؤال که آیا فلج مغزی از همان بدو تولد قابل تشخیص است، اظهارداشت: اغلب موارد فلج مغزی به جز در موارد خفیف آن، در ۱۸ ماه اول زندگی مشخص می شوند.

وی توضیح داد: گاهی این نوزادان در بدو تولد، علائمی دارند که آنها را از نوزادان دیگر متمایز می کند مثلاً دیر گردن می گیرند. این علائم به صورت ناتوانی در رسیدن به استانداردهای حرکتی، مانند « عملکرد حرکتی خشن و نامتقارن و افزایش توان عضلات یا کاهش توان عضله » نمایان می شوند. به تدریج اختلالهای شناختی و حرکتی، رفتاری، گاهی تشنج و تاخیر رشدی هم با افزایش سن کودک ظاهر می شود. گاهی با افزایش سن بیماران، شکل اندامها تغییر می کنند.

علیرضالو با تاکید براینکه علائم بسیار متفاوت هستند، افزود: ممکن است علائم، خفیف یا شدید باشند و تنها یک نیمه بدن یا هر دو نیمه بدن را درگیر نماید. با درگیری بیشتر دست‌ها یا پاها و یا هر ۴ اندام همراه باشد. حرکات غیرطبیعی (نظیر پیچشی، پرشی، چرخشی) در دست‌ها، پاها، بازو، ساق پا، اتفاق می افتد که این حرکات حین استرس تشدید می‌شوند.

وی ادامه داد: لرزش، عدم حفظ هماهنگی و تعادل بدن، عضلات شل بخصوص در حالت استراحت، مفاصل بیش از حد متحرک، کاهش ضریب هوشی، کاهش توانایی یادگیری، اختلال در تکلم، مشکلات شنوایی و بینایی، تشنج، درد بخصوص در بالغین، علایم گوارشی (شامل اختلال در مکیدن شیر، یا غذا خوردن، جویدن، بلعیدن، استفراغ و یبوست، افزایش آبریزش دهان)، روند کند رشد، تنفس‌های نامنظم، بی‌اختیاری ادرار، از دیگر علائم آسیب فلج مغزی هستند.

تشخیص زودهنگام فلج مغزی چه کمکی به بهبودی بیشتر کودک می‌کند

این متخصص علوم شناختی و توانبخشی در پاسخ به این سؤال که تشخیص زودهنگام فلج مغزی چه کمکی به بهبودی بیشتر کودک می‌کند، گفت: با تشخیص زودهنگام فلج مغزی، بهبودی و طول عمر بیمار، بستگی به شدت و ضعف بیماری دارد و در موارد شدید، اگر فلج مغزی با بیماریهایی همچون بیماریهای قلبی، تنفسی، عفونت های شدید ریوی، اختلال در بلع و... همراه شود، می‌تواند منجر به مرگ بیمار نیز بشود، ولی در موارد خفیف، با بهبود قابلیت های جسمی - شناختی فرد مبتلا به کمک توانبخشی، روند طبیعی زندگی فرد دنبال می شود.

علیرضالو تاکید کرد: متخصصان رشته های توانبخشی جهت تشخیص و مداخله زودهنگام، نیازمند آموزش درحیطه تکامل و اختلالات تکاملی، از جمله فلج مغزی، درنوزادان وکودکان خردسال می باشند.

وی افزود: پیش بینی ها در مورد فلج مغزی، نشان می دهد که فلج مغزی قابل درمان نیست، اما بعضی از عوارض و پیامدهای شاخص آن، قابل جبران است. به طور معمول، همه کودکانی که با فلج مغزی متولد می‌شوند، نیاز به توانبخشی دارند و مراحل توانبخشی نیز طولانی مدت است.

به گفته علیرضالو، کاردرمانی، گفتاردرمانی و ساخت وسایل کمک حرکتی از مهمترین برنامه های توانبخشی مورد نیاز این کودکان می باشد. تعدادی از آنها به کفش طبی، اسپیلنت و وسایل کمک حرکتی مانند واکر یا ویلچر نیاز پیدا خواهند کرد. کاردرمانی کمک می‌کند تا کودک وارد اجتماع شود. کودکانی که فلج مغزی خفیف دارند را می‌توان برای ورود به مدرسه و مشارکت های اجتماعی، آماده کرد.

وی درعین حال گفت که متأسفانه حمایت‌های بیمه‌ای برای این بیماران وجود ندارد و چون توانبخشی، یک درمان طولانی مدت و پر هزینه برای بیماران مبتلا به فلج مغزی است، لذا هزینه‌های بالای درمانی و رفت و آمد مداوم خانواده به مراکز درمانی و توانبخشی، آسیب زیادی به ساختار اقتصادی و روانی خانواده وارد می‌کند.

علیرضالو افزود: البته فراموش نکنیم که هر چقدر خانواده‌ها درگیر هزینه های مادی و معنوی این اختلال می شوند، به همان نسبت دولت ها نیز تحت فشار هزینه های ناشی از آسیب اجتماعی این اختلال، قرار می گیرند.

این متخصص علوم شناختی و توانبخشی با تاکید بر اینکه استقلال بیماران بسیار مهم است چون هر چه سن بیمار بالاتر می‌رود، نگهداری از او دشوارتر می‌شود، اظهارداشت: چه بهتر که در کشور ما نیز مانند کشورهای پیشرفته دنیا، تلاش شود تا مشاغلی متناسب با معلولیت بیماران پیش بینی شود، مثلا اگر دست فردی فلج است، شغلی متناسب با نقص عملکرد حرکتی وی که نیاز زیادی به استفاده از دست نباشد، برایش درنظر گرفته شود.

وی تصریح کرد: البته طی سال های اخیر، سازمان‌ها و نهادهایی در کشور ما تشکیل شده‌اند که زمینه های شغلی مناسبی برای معلولان فراهم می کنند تا ضمن ایجاد منبع درآمدی برای آنان، باعث بهبود کیفیت زندگی بیمار و خانواده شوند، بطوریکه این اصل طلایی «توانبخشی مبتنی بر جامعه»، در راستای بازگرداندن فرد معلول به مشارکت های اجتماعی، در حال گسترش است.